پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

شماره‌پنجم‌سال‌دوم‌دوشنبه۱-ثور۴۸-۲۱، اپریل ۶۹، شماره‌مسلسل ۵۷

اطلاعیه

درین اواخر باردیگر یکعده فتنه‌گران، اجنتهای (سیا) و عناصر مشکوك مربوط به شبکه های تخریبی‌وجواسیس ارتجاع داخلی وامپریالیزم بین‌المللی علناً ظاهر شده‌اندکه در زیر ماسکهای دروغین خلق‌خواهی ووطن خواهی و انقلابیگری‌علیه جریان اصیل دموکراتیك خلق افغانستان، پرچم‌خلق‌ناشراندیشه‌های‌آن و شخصیت های ترقیخواه وطنپرست به تخریبات ، اتهامات ،دسایس و حتی تهدید به ترور و دهشت افگنی دست میزنند .

مصالح عالیه افغانستان وپیروزی‌جنبش ، از تمام خلق نجیب و تمام محافل روشنفکر وطنپرست کشورمیطلبد که هشیاری خود را دربرابر این اشخاص ماسك دار حفظ کنند ونگذارند که چنین عناصر تخریبکار، جنبش رهائی بخش ملی و اجتماعی‌کشور را (منجمله بوسیلهٔ تبلیغات زهرآگین و اتهام زدن به عناصـرشریف ووطنپرست) به‌شکست‌مواجه سازند ، اتحاد و همبستگی تـمام‌اشخاص ، محافل و جریانات واقعاً ملی و دموکراتیك ، ترقیخواه وطـن‌پرست رابرهم‌زنند ومردم افغانستان را مطابق به نقشه ارتجاع از دموکراسی وآزادی دلسرد سازند .

وظیفهٔ تمام جوانان‌پیشدارنهضت‌اعم ا زکارگران ، محصلان وروشن‌فکران کشور است‌که ماسکهای‌چنین‌اشخاص مخرب را بر اندازند ، آنها را بادلیری و شهامت از جریـان‌نهضت تجرید نمایند و جواب دندان شکن دهند .

زنده باد خلق ودوستان خلق آزاده افغانستان !

دست توطئه گران امپریالیست‌از نهضت رهایی بخش‌ملی‌واجتماعی کشور ماکوتاه !

خبر تیا

پدی وروستیو وختوکی‌بیایوشمیرفتنه اچونکی د(سیا) اجنټان او په تخریبي شبکو پوری مربوط مشکوك‌عناصر او دداخلي‌ارتجاع اوبین‌المللي امپریالیزم جاسوسان ، علناً ظاهرشویدی چه د خلك غوښتني، وطن غوښتني او انقلابیگری تر درواغجن‌نقاب لاندی ، د افغانستان دخلك دموکراتیك اصیل جریان او دخلك‌پرچم دهغه د د موکراتیك افکارو خپروونکی او دترقي غوښتونکو وطنپرستو شخصیتونو پرضد ، په تخریباتو، تورونو، دسیسو او حتی‌دترور اودهشت غورځولو په تهدید لاس پوری کوی .

دافغانستان عالیه مصالح او دنهضت بری، دهیواد له ټولو نجیبو خلکو اوټولو وطنپالو منورو محافلوڅخه، غوښتنه کوی‌چه خپله وښیاری ددی نقاب لرونکو عناصروپه مقابل کی‌وساتي اوپری‌نږدی‌چه‌داتخریبکاره عناصر، دهیوادملی اواجتماعی آزادی‌بخشونکی نهضت (من جمله‌دزهرجنو تبلیغاتو او په شریفو وطنپرستوعناصرو باندی د اتهام په وسیله) له ماتی سره مخامخ کاندی او دټولواشخاصو، د واقعاً ملی، دموکراتیکو، ترقي غوښتونکو اووطنپالونکومحافلواوجریاناتو اتحاد او پیوستون ویجاړ کړی او دافغانستان خلك - دارتجاع‌له نقشي سره سم- له دموکراسی او آزادی نه زړه تورن کاندی .

په نهضت‌کی‌دهیواد دترمختلونکوټولو ځلمیانو، اعم له کارگرانو ، محصلانو اومنورینو، وظیفه ده چه‌ددغسی مخربو اشخاصو نقابونه وغورځوی،هغوی‌په زوړرتیااوشهامت‌له نهضت نه گوښي کاندی او خوله ماتونکی ځواب ورکړی .

ژوندی دی‌وی خلك اودافغانستان‌دآزاده خلکو دوستانو !

زمونږ دهیواد له ملی اواجتماعی‌آزادی بخشونکی نهضت نـه دی، دامپریالیستو توطئه‌گرانولاس‌لنډوی!

بارق شفیعی

مدیر مسؤول جریده توقیف‌شده‌خلق

پرچم، ناشراندیشه‌های

جریان دموکراتیك خلق افغانستان است!

تجربیات جریانهای پیشآهنگ‌عصر ما نماینده این حقیقت انکارناپذیر است که وقتی پای ضرورت ایجاد وتاسیس سازمان واحدسیاسی‌طبقهٔ کا رگر و پخش ایدئولوژی‌پیشرو آن بمیان آید، نشر مطبوعات یکی از بهترین وسایل ترویج‌وتبلیغ‌آن بشمار میرود، که بدون تردیدتاسیس یك جریدهٔ مبارز سیاسی برای سر تاسر کشور، نخستین‌قدم‌اساسی درراه تامین‌این آرمان‌ارجمندمحسوب می‌شود .

بادرك دقیق این اصل مسلم علمی بودکه سه سال قبل «پیشروان ومبارزان‌دموکراتیك خلق بعداز انفاذ فرمان تقنینی مطبوعات تصمیم برآن گرفتند تا به منظور بیداری شعور اجتماعی و نجات خلقهای مظلوم افغانستان از زیر ستم طبقات ومحافل حاکمه و همبستگی محافل مترقی از حیث تشکیلاتی‌وایدئولوژی از طریق تاسیس جریدهٔ سیاسی برای سراسرافغانستان آغازبه‌فعالیت کنند و نخستین گام عملی در راه ایجاد سازمان‌بردارند.-ببرك(کارمل) مقاله وسایل و راههائیکه آرمانهای خلقهای ستمدیده افغانستان و مرام دموکراتیك خلق را به پیروزی میرساند در شماره های ۳، ٤ و ٥ جریده خلق - » .

همان‌بودکه جریان دموکراتیك‌خلق توانست در اثر تصمیم دستجمعی واقدام بهنگام‌وبااستفاده ازارزشهای دموکراتیك قانون اساسی و قانون مطبوعات کشور ، امتیاز نشراتی جریدهٔ خلق (ناشرافکار دموکراتیك- خلق) را بدست‌آورد. وظائف‌تاریخی این جریده درنخستین قسمت مقاله فوق‌الذکر (وسایل و راهها . . .) چنین توضیح گردید .

«- تشریح، تعمیم، تبلیغ، ترویج مرام دموکراتیك خلق که درشماره اول ودوم جریدهٔ خلق وسیعاً انتشار یافت .

- نشر وتبلیغ تئوری وجهانبینی علمی‌که سلاح‌نجات خلقهای‌زحمتکش ومعرف مبارزهٔ طبقاتی بشمار میرود و سیستم یکپارچه و موزونی از مجموعهٔ نظریات فلسفی، اقتصادی، اجتماعی وسیاسی راتشکیل میدهد،

- انعکاس « رنجهای بیکران خلقهای ستمدیدهٔ افغانستان » وافشای زور گویان وستمگران‌طبقات حاکمه و نمایندگان مدافع آنها که بالای خلقها ی کشور جبر وستم مینمایند.،

- نشرات به منظور بیداری‌شعور طبقاتی، سیاسی واجتماعی خلقها ،

جریدهٔ خلق ازهمه اولتر وعمده‌تر وظیفهٔ اساسی خود میداند که‌منحیث یك رشتهٔ اساسی‌اتصال، باحسن‌نیت وطبق اصول علمی و احتراز از خرده‌کاری تمام نیرو های ترقیخواه دموکراتیك ، تمام و طنپرستان وفرزندان صدیق وطن‌وباشهامت‌ترین مدافعان منافع خلقها ی ستمکش ومحروم را دریك جریان ویك‌سازمان سیاسی دموکراتیك خلق متشکل

(ص ۲)

فرکسیون پارلمانی دموکراتیك خلق افغانستان از تشکیل آزاد احزاب سیاسی و پائین آوردن سن شمول

دراحزاب ازسن (۲۵) به سن (۲۰) دفاع کرد

قانون احزاب در اجلاس گذشته شوری تصویب گردید و غرض طی مراحل کامل قانونی آن به توشیح سپرده شد . ولی از آنجائیکه مدتی سپری گردید واین قانون نتوانست مراحل کامل قانونی خودرا طی‌نماید، اخیراً دراثر پیشنهاد عده‌ئی از وکلا درولسی جرگه جهت پائین آوردن سن شمول به احزاب از سن ۲۵ به ۲۰ مطرح بحث مجلس قرار گرفت‌و نظرات مختلفی در زمینه‌ابراز گردید. لیکن این مسأله بعنوان آنکه تاکنون از توشیح نگذشته با اکثریت آراء وکلا از اجندای مباحث ولسی جرگه بیرون کشیده شد .

فرکسیون پارلمانی دموکراتیك خلق افغانستان حین‌طرح مسأله در ولسی‌جرگه یکباردیگرضمن بیانیه‌یی نقاط نظر خودرا در زمینه چنین تصریح کرد :

به‌آقایان ووکلائیکه وجوداحزاب‌را در کشور رد میکنند خاطر نشان میگردد که تا طبقات مختلف اجتماعی دریك جامعه موجود باشد ، وجود احزاب یك امر حتمی و ضروری‌است اعم ازینکه کسی بخواهد ویانخواهد. ارادهٔ فردی مانع تشکیل آزاد احزاب سیاسی که از طبقات مختلف اجتماعی نمایندگی میکنند ، شده نمیتواند . همچنان درنظام‌دموکراسی وجود احزاب یك ضرورت است . زیرا بدون تشکیل آزاد احزاب سیاسی ، دموکراسی بدون محتوی وبدون مفهوم خواهدبود . روی این حقیقت سر سخت بود که واضعین قانون اساسی بعد از سالها‌استبداد در کشور مجبور گردیدند در مادهٔ ۳۶- این‌قانون، احزاب سیاسی را مجاز گردانند . لذا کسانیکه تشکیل آزاد احزاب سیاسی را درافغانستان رد مینمایند هم مخالف شناخت‌علمی جامعه ، هم مخالف اصل دموکراسی وهم مخالف قانون اساسی و منافع ملی افغانستان حرف میزنند و در حقیقت ازاستبداد وارتجاع‌نمایندگی ودفاع میکنند .

راجع به سن شمول در احزاب‌باید یادآور شد که علی‌رغم‌تصمیم‌ناشیانه اکثریت اعضاء مجلس ، ماقبلا نیز در اجلاس گذشته ضمن توضیحات مفصل مطابق به منافع مردم‌افغانستان ومطابق به آزادی های مصرح در قانون اساسی و مطابق به اصل دموکراسی ، بین سن ۱۸ و ۲۰ را سن قانونی شمول در احزاب اعلام کرده ایم . زیرا هرگاه سن ۲۵ را شرط شمول در احزاب قبول کنیم در حقیقت صدها هزار جوان کارگر، دهقان ، محصل و روشنفکر وطن‌را که بین سن ۲۰ و ۲۵ زندگی میکنند ونیروی فعال جامعه بشمار میروند، ازحقوق مسلم دموکراتیك‌شان‌محروم کرده ایم که البته این طرز تفکر را جداً محکوم میسازیم . لذا ماتایید و پشتیبانی جدی خودرا ازین پیشنهاد که باید شرط سن شمول دراحزاب از ۲۵ به ۲۰ پائین آورده شود ، اعلام میداریم .

به مناسبت نودونهمین سال روزتولد لنین :

لـنـیـن

دوست گرانمایه‌ملت افغانستان

سوم ثور ۱۳۴۷ (۲۳ - اپریل ۱۹۶۹) نودنه‌سال‌ازتولدولادمیرایلیچ- لنین میگذرد ودراپریل سال ۱۹۷۰ صدمین سالروز تولد لنین فرا میرسد . خلق ،حزب و دولت اتحاد- شوروی وتمام زحمتکشان جهان صدمین سالروز تولد لنین را به مثابه جشن بزرگ بین المللی تدارك می بینند .

امسال که به پیشواز صد مین سال روز تولد لنین ترتیبات بزرگی از طرف دولت اتحاد شوروی گرفته میشود ، با تجلیل باشکوه پنجاهمین سال روابط دوستی بین افغانستا ن و اتحاد شوروی مصادف است .

لنین که بزرگترین دوست‌مشرق وملت ما بود، نخستین انسان گران مایه ایست‌که پنجاه‌سال قبل‌همزمان باقیام ملی خلق ما به خاطر آزادی واستقلال ،در ۲۷ماه می‌سال ۱۹۱۹ درپیام‌خود به‌رئیس دولت‌افغانستان چنین نوشت :«ضمن دریافت او لین پیام ملت آزاد و مستقل افغانستا ن به ملت روس با تعجیل درود خود را از طرف دولت کارگران ودهقانا ن وتمام ملت روس متقابلا به ملت‌آزاد و مستقل افغانستان که قهرمانانه‌در مقابل برده داران بیگانه از آزاد ی و استقلال خویش دفاع میکند، میفرستم ....»

لنین نه تنها دوست بزرگ ملل شرق و ملت‌ما ، مدافع صلح‌وعدالت وترویج دهندهٔ دوستی میان ملل جهان بود، بلکه نام لنین به مثابه تئوریسنی نابغه وبزرگترین ر هبر انقلاب زحمتکشان وتحو ل سوسیالیستی ، بنیاد گذار ورهبر حزب پیشآهنگ طبقه کارگر و نخستین دولت سوسیا لیستی جهان (دولت شورای کارگران و دهقانان) ثبت تاریخ است .

تعالیم لنین دربارهٔ امپریالیزم ، به مثابه آخرین مرحله‌سرمایه داری، در باره حزب تیپ جدید ، انقلا ب سو سیا لیستی ، حا کمیت ز حمتکشا ن و اشکا ل گوناگون آن ، در باره دمو کراسی سوسیالیستی ، اتحاد طبقه کار گربا دهقانان وزحمتکشان دیگر ، در باره مساله ملی‌و مساله ارضی، در باره طریق ساختمان‌جامعه سو سیالیستی نقش عظیم وقاطعی در جنبش رهائی بخش جهان ایفا کرده است .

لنین در باره آزادی زحمتکشا ن (که اکثریت عظیم نفوس جهان را تشکیل میدهند) میگفت که آزاد ی برای زحمتکشان بیش از همه عبارتست از آزادی از استثمار ، آزادی از ستم اجتماعی و سیا سی‌و ملی و آزادی از تاریکی وجهالت .

لنین میاموزد که بر مسأله آزادی‌باید بطور مشخص‌وازنظر تاریخی‌برخورد شود : آزادی برای کی وبرای کدام طبقه ؟ آزادی از چه و آزادی درچه؟

برای کشور ما شخصیت بزرگ لنین از این جهت هم گرامی است که لنین بحیث نخستین رهبرکشو ر نو بنیاد اتحاد شوروی ، مقدم از همه ملل جهان آزادی و استقلا ل کشور ما زابرسمیت شناخت‌و دوست بزرگ افغانستان وبنیادگذار سیاست نوع جدید صلحجویانه و دوستانه فی ما بین افغان- شورو ی بود. چنانچه‌ازآن‌تاریخ‌تاکنون که‌پنجاه سال میگذرد دوستی وهمکاری خلل ناپذیر وثمر بخش خلق دلیروآزادهٔ افغانستان وخلق‌وکشور صلحدوست اتحاد شوروی بسط وتوسط یا فته است .

مبارزات پیگیر وقانونی

داوطلبان‌شمول‌به پوهنتون به‌پیروزی رسید

سال جدید بنابر پالیسی اختناق معارف ، برای فارغ التحصیلان وطنپرست صنو ف ۱۲ لیسه های مرکز وولایات‌باافسردگی وسرنوشت تاریك آغا ز گردید و عدهٔ قابل ملاحظه‌ئی از ایشان در اثر سیستم غیرعادلانه وتبعیضی کانکور، بشیوهٔ تفاول امریکائی، بی‌سرنوشت باقی ماندند . اصلا وزارت معارف تجربهٔ سال گذشته را در نظر نگرفته وحد اقل ترتیبات را برای سال موجود اتخاذ نکرد ، تا مسأله فارغ‌التحصیلان لیسه ها حل‌گردد .

واقعیت جانگداز اینست که در جامعهٔ بیمار ما، در جامعه ایکه هنوز پنجه های خونین استعمار فرهنگی درآن ریشه دارد، در جامعه ایکه فرهنگ ملاکی در آن مسلط است، درجامعهٔ طبقاتی ما درآخرین تحلیل زیادترین امتیازات، منجمله‌تحصیلات عالیتر درانحصار طبقات مرفه الحال قرار دارد وعملا عدهٔ بیشماری از فرزندان با استعداد طبقات محروم واطرافی کشور مجال تحصیلات عالی را ندارند .

تأسف آور است، د ر کشور ۱۶ ملیونی ماکه برای رشدوانکشاف سریع آن به پرسنل فنی و اداری دارای تحصیلات عالی ومسلکی‌احتیاج مبـرم و جـود دارد ، هـزاران فارغ‌التحصیل مکاتب، بیکار و آواره میگردند . خجالت آور است که مجموع تمام تعداد محصلان پوهنتون کابل بشمول پولیتخنیك و پوهنځی طب ننگرهار به بیش ازپنج هزارنفر نمیرسد، درحالیکه تنهاروی‌احصائیه دولت هم اکنون افغانستان برای رشد عادی اقتصادی ، اجتماعی وفرهنگی خود به درحدود ۳۱ هزار پرسونل فنی و متخصصین دارای تحصیلات عالی و اختصاصی نیازمند است، ولی مقامات حاکمه افغانستان بنا بر فساد دستگاه اداری دولت وپالیسی های نادرست وکندی رشد اقتصادی واجتماعی داد از «مازاد» فارغ‌التحصیل‌میزنند. خنده‌آوراست، وزارت معارف ادعا دارد که آهنگ رشد معارف سریعتر از رشد معیوب اقتصادی کشورمیباشد. ما بصراحت اعلام میداریم که مقامات حاکمه افغانستان قصداً و علی‌رغم منافع عالیهٔ ملی کشور و اصل پیشرفت سریع جامعه دربرابر رشد و توسعه معارف وجلوگیری از رشد استعداد جوانان دست به کار شکنی های مشهودی میزنند که نمونهٔ مشخص‌آن سرگردانی وبلا تکلیفی عدهٔ زیادی از فارغ التحصیلا ن پر استعداد لیسه های مرکز و ولایات کشور میباشد .

یکعده از جوانان بااستعداد که آرزوی تحصیلا ت عالی را داشتند، دربرابر قیودیکه مانع‌ادامهٔ تحصیلات شان می‌گردد، از خود دلیرانه‌مقاومت نشان دادند، متینگ هائی‌را درصحن پوهنتون تشکیل کرده و دست به تظاهرات قانونی ومسالمت آمیز زدند .

(ص٤)

رفقا،دوستان،آزادیخواهان، وطنپرستان، تمام‌گروه های ملی ودموکراتیك ! علیه تفرقه جویان ، نفاق افگنان، فتنه‌گران واخلال‌گران دردرون‌نهضت مبارزه‌کنید، ماهیت آنهارا تشخیص دهید، آنهارا ازصفوف‌مبارزه رهائی‌بخش‌ملی‌واجتماعی کشور خارج سازیدواتحادوهمبستگی‌صفوف خودرا‌تأمین کنید!

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپرونکی

اول ثور ۱۳۴۸

جریان دموکراتیك خلق افغانستان نه تنها مخالف جدی سنگ‌اندازی درراه‌پیشرفت گروههای واقعاًملی‌ودموکراتیك، ترقیخواه‌وطنپرست‌نمی باشد، بلکه‌ا زصمیم قلب‌د رنظر وعمل‌خواهان آنست که دوش‌بدوش‌این گروهها،دریك جبهه‌مشترك، بجهت‌اهدف مشترك ملی‌ودموکراتیك به‌پیش رود . ولی‌هرگاه کسی بخواهد که در راه رشد وتکامل‌جریان دموکراتیك خلق افغانستان ،درراه نبرد پرافتخار طبقه کارگر افغانستان ، درراه جنبش‌رهائی‌بخش ملی واجتماعی وطن ما سنگ اندازی کند، دربرابرآن، درچهار چوب‌اصول واخلاق‌مترقی دلیرانه مبارزه خواهیم‌کرد !

درسراسر هفته گذشته‌هزاران‌شاگرد لیسه‌های‌مرکز بخاطر پشتیبانی

از خواستهای صنفی شاگردان لیسه نجات دست به تظاهرات زدند

در سرتاسر هفتهٔ گذشته هرروز هزاران شاگرد لیسه های مرکز (کابل) بخاطر اظهار همبستگی و همدردی باشاگردان لیسهٔ نجات به تظاهرات دامنه داری دست زدند. تظاهر کنندگان عناصر اخلالگر و تخریبکار راکه در جریان متینگها و تظاهرات تفتین و تلاش میکردند تا مظاهرات را از مسیر اصلی آن‌برون کشند و برای حمله پولیس بهانه دهند ، افشاء نموده ، فعالیتهای ایشانرا خنثی واز صفوف خویش خارج ساختند . این عده مبلغین خرابکار مربوط به ارتجاع داخلی ، سیاو دیگر شبکه های جاسوسی امپریالیستی جدا از تظاهرات و نهضت حسب دستور در بعضی ازگوشه‌های شهر به‌تخریبات‌وتبلیغات زهرآگین پرداختند .

مطالبات و خواستهای صنفی شاگردان لیسهٔ نجات که در بیانیه‌ها و قطعنامه های آنان اظهار گردید ، مورد پشتیبانی هزارها جوان و شاگردان (لیسه‌ها) قرار گرفت . درقطعنامه شاگردان لیسهٔ نجات در پایان مظاهرهٔ روز ۲۷ حمل گفته میشود که :

ماشاگردان لیسهٔ نجات بمنظور برآورده شدن خواستهای صنفی خویش و علیه روش خصمانه معلمان آلمان فدرال در برابر شاگردان ، سیستم درسی وامتحانات‌غیرعادلانه، معارف استعماری و ارتجاعی دست به اعتصاب وتظاهر زده وقطعنامه‌ایرا قبلا دراینمورد به مقامات وزارت معارف تسلیم داده‌ایم ، ولی مقامات مربوط نه‌تنها عمل مثبتی را درین زمینه انجام نداده ، بلکه دست به اقدام غیر قانونی و تحریك آمیز زندانی کردن یکتعداد از همصنفان ما نیز زده‌اند .

بنابران در برابر این اعمال ضد قانونی وخود سرانه اعتراض‌مینمائیم وجداً میخواهیم :

- همصنفان توقیف شدهٔ ما هرچه زودتر آزاد گردند .

- وزارت معارف خواستهای قانونی مارا که طی قطعنامه اول به آن وزارت سپرده شده است ، برآورده سازد .

شاگردان لیسهٔ نجات از تمام شاگردان وجوانانیکه بعنوان‌همدردی وهمبستگی بدون هیچگونه استفاده‌جوئی باآنها همنوائی کرده اند ، سپاسگزاری نموده و اعمال تخریب آمیز عناصر اخلال گر و عمال فتنه‌گر و نفاق افگن ارتجاع و شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی را تقبیح ومحکوم کردند .

درجریان تظاهرات شاگردان‌شعار میدادند که :

- به سیستم معارف‌استعماری درافغانستان خاتمه داده شود!

- مافرهنگ ومعارف‌ملی‌ومترقی میخواهیم !

- نابود باد فرهنگ ارتجاعی‌و استعماری !

- مرگ بر ارتجاع واستبداد !

(از صفحهٔ اول)

مبارزات پیگیر وقانونی ...

آنان در اثر مبارزات جدی، پیگیر ومعقول برای تأمین خواست قانونی،مشروع‌ووطنپرستانه خویش، درحالیکه نفاق افگنان و فتنه‌انگیزان را درصفوف خویش راه ومجال‌تبارز ندادند، راه شمول به پوهنتون را علی رغم موضعگیری خصمانه مقامات مسؤول حکو متی در برابر خویش گشودند. ایشان دراثر مبارزهٔ‌معقول خود نشان دادند که مبارزهٔ صحیح ومتناسب با شرایط برون پارلمانی میتواند بعضاً تأ ثیرات خود را برپارلمان نیز وارد کند. دراثر این شیوهٔ مبارزهٔ جوانان ، ولسی جرگه مجبور گردید که بروز ۲٦ حمل (باوصف اینکه یکتعداد ارقام درین زمینه از طرف وزارت معارف ارائه گردید که بمشکل میتوان واقعیت آنهارا تائید کرد) فیصله نماید که مانند سال گذ شته نصاب شمول به پوهنتون تانمرهٔ (٤٥) پائین‌بیاید وبه اینصورت دراثر مبارزهٔ پیگیر ومعقول خواست عده‌ئی از داوطلبان شمول به پو هنتون برای امسال بطور نسبی منتج‌به نتیجه گردید، ولی آنچه مسلم است اینست که پرابلم اساسی‌مانندگذشته بحال‌خود باقیست ، تا وقتیکه نفوذ وتسلط استعمار فرهنگی و سیستم معارف فئودالی از جامعهٔ ما ریشه‌کن نگردد و‌بجای آن یك سیستم معارف واقعاً ملی ، مترقی ومتوازن مورد تطبیق قرار نگیرد مشکلات ناشی از وضع موجود برای مدت های طولانی بحال خود باقی خواهد بود .

تصحیح: درسطر سوم مقدمهٔ مضمون (سیستم‌انتخاباتی) درصفحه دوم شمارهٔ گذشته جمله (بایدیادآور شدکه سیستم انتخاباتی کنند)،چنین خوانده شود : (سیستم انتخاباتی آگاهی حاصل کنند) .

مسأله‌امنیت اروپااولتر ازهمه

یك مسألهٔ صلح است

ریماند شمتلا ین سیاست مدار برجسته وعضو اسامبله ملی فرانسه به نماینده آژانس نوو ستی اظهار داشت که: «امنیت اروپا یك پرابلم مبرم است که باید درمرکز توجه سیاست مداران تمام کشور های قاره ما باشد، از همین جاست که مسأله امنیت در اروپا، اولترازهمه یك مسأله صلح است .

جنرال دوگول میگوید: علت‌اینکه تاهنوز امنیت‌اروپاتأمین نشده‌است، نتیجه فقدان اعتماد میباشد. بعضی ازدول اروپادلایل کافی برای اعتماد کردن بالای آلمان غرب ندارند. برای این فقدان اعتماد دلایل کافی وجود دارد؛ بطور مثال از روش منفی جمهوری فدرال آلمان در برابرسرحد اودر - نیس، میتوان نامبرد.موصوف مزیداً گفت :

«سیاست آلمان غرب یك منبع خطر ومنبع انتقام جوئی را بوجود می‌آورد که باعث انفجار در اروپا خواهد شد» .

او گفت: یکی از مهمترین شرایط برای امنیت اروپا در موافقت نزدیك بین فرانسه واتحاد شوروی میباشد که باسنن تاریخی مطابقت دارد. من معتقدم که درس تاریخی به مردم اتحاد شوروی وفرانسه نشانداد که بهتر است باهم یکجا باشندتاجدا.»

دراخیر، شمتلاین در ضمن‌تماس به درخواست دول عضو پیمان‌وارسا گفت: «من باور دارم که در خواست بوداپست‌یك درخواست مثبت‌است.» باید اروپا بداندکه خطر از کدام‌سو تهدید می‌نماید. طوریکه معلوم است فرانسه از سازمان نظامی ناتوخارج شد، بدینمعنی که ما دوستان آن سازمان نیستیم، اروپا باید بطریقی متحد شودکه چنان سیستمی ازصلح را بو جود آورد که از طرف هیچکس تخریب شده نتواند .

امریکادرویتنام جنوبی

مصروف آدمکشی است

«نیویارك تایمز» راپوری را توسط نماینده خود ازویتنام جنوبی انتشار داده است. درراپور مذکور باردیگر نشانداده شده‌که ایالات متحده‌امریکا بغرض شکستاندن مقاومت وطن- پرستان در و یتنام جنوبی مصروف آدم کشی میباشد .

نماینده نیویارك تایمز از نواحی شمال دلتای میکانگ، جائیکه‌عساکر امریکائی ودست نشاندگان سیگونی آنها از دوسال باینطرف بیهوده مصروف « عملیات پاك کردن » این منطقه از وجود گوریلاها میباشند، بازدید نموده است .

نماینده نیویارك تایمز در راپور ارسالی خود اعتراف می‌نماید که فرقه نمبر ۹ پیاده امریکاکه درمنطقه عملیات می‌نماید، روزانه کم از کم صدنفرازافرادبی‌گناه‌رابقتل‌میرساند. وساحات وسیعی را هدف بمباران طیاره وتوپچی قرار میدهد .

ولی، شیوه های وحشیانه جنگ برای متجاوز پیروزی بار نیاورده است. وطنپر ستا ن مانند گذشته قسمت اعظم ناحیه دلتای میکانگ‌را با۲ ملیون نفوس آن، باخود دارند ومعنویات آنها بلند است .

مظاهرات واعتصابات

نیویارك :

درشهر های بزرگ وپر جمعیت امریکا مظاهراتی برضد جنگ ویتنام صورت گرفت. در هوستن محصلین شعار میدادند: «نکسن! جنگ‌ظالمانه ویتنام را بس کن!» در تظاهرات ستانفورت یکنفر استاد پوهنتون در سخنرانی خویش سیاست حکومت امریکا را شدیداً موردانتقاد قرارداده گفت: «جنگ ویتنام اقتصاد، اعتبار وحیثیت امریکا را شدیداً لکه دار ساخته است.»

همچنان محصلین (۱۵٦) پوهنځی مختلف امریکا طی نامه‌ئی به نکسن، ازنامبرده تقاضا نموده اند تا امریکا جنگ ظالمانه ویتنام را قطع کند .

محصلین درنامه خود به نکسن می‌نویسند :

- ماین جنگ‌را یك‌جنگ ظالمانه می‌پنداریم ؛

- مخالف خون ریزی در ویتنام میباشیم ؛

- ما در این جنگ پلید شرکت نمی‌کنیم ؛

این جنگ ضد آزادی و استقلال وضد بشریت است .

بوینس آیرس :

در ارجنتاین ده ها کارگر دست به اعتصاب زدند. ایشان برضدروش غیر انسانی کار فرمایان و حکومت ارتجاعی شدیداً اعتراض می‌نمایند . کارگران خواهان باز گشت کارگران اخراج شده وازدیاد مزد ، اصلاح شرایط کار وتطبیق سیستم اقتصاد واقعاً ملی برای همه مردم میباشند. درزدو خورد بین پولیس و اعتصاب کنندگان از طرفین یکعده مجروح شدند .

پاریس :

فدراسیون عمو می کار فرانسه روزاول‌ماه می‌رامنحیث‌روزمبارزه‌علیه امپریالیزم‌واستبدادوبالاخره بعنوان‌روز مبارزه مشترك علیه د شمن مشترك تجلیل می‌نمایند .

روم :

ایتالیا آبستن حوادث جدیدیست. درحدود ۳۰۰۰۰۰ کارگر بطرفداری از کارگران شهر پتی پالا دست به اعتصاب زدند. کارگران فابریکه سگرت سازی‌شهرپتی پالاازچندیست که درحالت اعتصاب بسر می‌برند . در زدوخورد مسلحانه تن به تن که یکروز تمام بین پولیس واعتصاب کنندگان رخداد دونفر از کارگران مقتول شد ودر اعتصابات شهرهای مختلف ده ها نفر زخمی گردید . کارگران پولیس‌را خلع سلاح‌نمودند. حکومت ایتالیافابریکه سگرت‌سازی شهر پتی پالارا‌تعطیل نمود. کارگران درشهر های بزرگ ایتالیا از قبیل روم، میلان وفلورانس بعنوان‌همدردی باکارگران شهر پتی پالا دست به اعتصاب زده اند .

اتحادیه کارگری اعلان‌نموده است که اگر حکومت جلواعمال تروریستی گروه های‌فاشیستی (پیرهن‌سیاهان) را برضد کارگران نگیرد ، کارگران دربرابر آنها به مبارزه مسلحانه خواهند پرداخت. ومسؤولیت عواقب ناشی ازآن بدوش حکومت خواهد بود .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك‌خلق افغانستان

هره دوشنبه خپریږي

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر :

سلیمان لایق

آدرس : زرلښت مارکیټ - محمدجانخان واټ، کابل -افغانستان

تیلفون : ۲۳۱٦٤

داشتراك بیه

په‌کابل کښي دکال: ۱۲۵ - افغانی

په ولایاتو او پښتونستان کښي دکال : ۱٤۰ «

په باندنیو هیوادو کښي: ۱۵ دالر

دجاری حساب نمبر به پښتني‌تجارتي بانك کښي ۳۸۵۳

دیوی گڼي بیه: ۲٫۵۰ - افغانی

مطبعه دولتی

رویدادهای مهم

جهان

تجاوز طیاره جاسوسی امریکا برقلمرو کوریای شمالی

هنوز خاطره بحران ناشی از دستگیر ی کشتی جاسوسی امریکا (پویبلو) د ر آبهای داخلی کوریای شمالی از اذهان فراموش نشده‌بود، که تجاوز طیاره جاسوسی امریکا برقلمرو کوریای‌شمالی وسقوط دادن آن توسط آن کشور بحران سیاسی دیگری را بو جود آورد. محافل ارتجاعی ومیلیتارستی امریکا با تمام وسایل سعی می‌ورزندتابه بهانه‌های مختلف اوضاع بحرانی شرق‌دور را بد ینوسیله بحرانی تر سا زند. افراطیون امریکا درسنا وکانگره، فابریکه داران، سرمایه داران بزرگ وغیره می‌گویند که باید به کوریای شمالی جواب مسلحانه داده شود . عده دیگر را عقیده برانست که باید کوریای شمالی بمبازدشودوهم‌هستند دیوانگانیکه آرزوی استعمال‌بم اتومی را دارند .

یك جنرال امریکا ئی گفت :

ایالات متحده امریکا بیك ملت نظامیگرو متعرض مبدل گردیده

جنرال شاو پ سا بق قوماندان قول اردوی بحری امریکا در ویتنام طی مضمون منتشره در روز نامه «دیلی‌میل» برتانیه اظهار نموده‌است که: «امریـکا بیك ملت نظامی گرو متعرض مبدل گردیده و آماده است به حل نظامی پرابلم های سیاسی‌که منافع آنـرا تهدیـد نماید ، دست بزند.»

جنرال مذکور معترف است که امروز نیز «دیپلوماسی کشتی‌جنگی» وسیعاً مورد استفاده قرار میگیرد. ایالات متحده امریکا بیش ازیك‌ملیون سرباز در کشور های دیگر دارد. ایالات متحده امریکا با ٤۸ کشور جهان هشت قرار داد منعقد نموده است که به اساس آن میتوانددرامور داخلی کشور های مذکورمداخله‌کند.

جنرال داوید شاوپ میگوید که درایالات‌متحده میلتاریزم به‌تمام‌قوت خود درحالت انکشاف است « مردم امریکا نیز بیش ازپیش باملیتاریزم، بایونیفورم وآیین تفنگ خو گرفته است.»

یك گروپ متنفذ از رهبران دارای ذهنیت نظامی‌که توسط فابریکه‌داران ثروتمند و نیرومند سلا ح سازی پشتیبانی می‌شوند ، الهام دهندگان نظامی گری میباشند .

مخالفت باجنگ ویتنام

بنابه درخواست‌محصلین پوهنتون سدنی درحدود ۱۰۰۰ نفر ازجوانان ودختران در خارج عمارت حکومت، درچهار راهی مرکزی شهر اجتماع نمودند تاپروتست شدید خودراعلیه ادامه جنگ تجاوز کارانه در ویتنام به حکو مت بسپارند. هدف عمده مظاهره بیرون کشیدن قوای‌استرالیا از ویتنام، خاتمه دادن به جنگ ویتنام وامتناع از شمول در اردوی استرالیا بود. وقتیکه عده‌ئی‌ازمظاهره کنند گان خواستند حلقه محاصره پولیس را شکستانده خودرابه‌عمارات حکومت برسانند وپروتست خود را به حکومت پیش کنند، مورد حمله پولیس واقع‌شدند، درحدود ۱۲۰نفر دستگیر شد .

پیمانهای نظامی یامنبع مشکلات اقتصادی وعامل فقرکشور های عضو

کشور های عضو پیمان اتلانتیك شمالی درطول مدت ۲۰ سال‌گذشته ۱٫۳۰۰٫۰۰۰ ملیون (یك ملیون و سه صد هزار ملیون) دالر مصرف امور تسلیحاتی خود نموده اند. این مصرف غیر تولیدی اکنون سالانه به پیش از ۱۰۰٫۰۰۰ (یکصد هزار) ملیون دالر بالغ می‌گردد .

اکنون ناتو پلانهای طویل‌المدتی را برای تسلیحات مزید رویدست دارد.

پیشنهاد تجدید مشاوره ازطرف اتحاد شوروی

وزارت خارجه اتحا د شوروی به وزارت خارجه جمهوریت مردم‌چین پیشنهاد نموده است‌که مشاوره‌های مجدد بین نمایندگان‌حکومات شوروی وچین آغاز شود . حکومت شوروی اظهار نموده‌که حاضر است‌مشاوره‌ها بتاریخ ۱۵ اپریل درماسکویاهروقت دیگریکه برای طرف چین مساعد باشد، آغاز گردد .

حکومت شوروی دراعلامیه۲۹مارچ خود طرفداری نموده است که نمایندگان رسمی شوروی و چین مشاورات خودراکه در ۱۹٦٤افتتاح گردیده بود، درآینده نزدیك از سر بگیرند .

دریاد داشت‌وزارت‌خارجه شوروی که بتاریخ (۱۱) اپریل از طریق سفارت چین پیش‌شده است، درضمن دیگر مطالب گفته می شود که : در خزان ۱۹٦٤ هیأتهای نمایندگی اتحاد شوروی وجمهوریت مردم چین در مشاورات مشهور خود بطور متقابل باین‌تفاهم رسیدند که این مشاورات در ماسکو ادامه یابد. هیأت نمایندگی اتحاد شوروی درآن وقت تاریخ ۱۵ اکتوبر ۱۹٦٤ را بحیث تاریخ شروع مجدد مشاورات پیشنهاد نمود ، ولی نه به تاریخ پیشنهادشده‌ونه بکدام تاریخ بعدی، این مشاوره ها ادامه پیدا کرد واین‌اشتباه حکومت‌شوروی نبود .

چه باید کرد ؟

باید وضع موجودرا از میان برداشت!

یکی از مسائل بسیار حاد ومهم درجنبش کنونی جامعه‌ما عبارتستاز حرف زدن نیرو های مترقی و چپ (زیرنام تئوری پیشرو) بزبان های مختلف و وجود خصلت مرحله کودکی، خرده گیری وخرده ـ کاری و محفل بازی که اختلافات بسویه جهانی آنرا بصورت روز افزونی تشدید می‌نماید .

اصطلاحات رویزیونیزم معاصر ، سازشکاری وابن‌الوقتی، سوسیال ـ امپریالیزم، مدافعین استعمار نوین، جواسیس ارتجاع ،خائن، تبانی باامپریالیزم ، وغیره وغیره همه شعار های مود روز است که بی‌مسؤولیت وکاملا بیمورد ووسیعاً درجریان مبارزات‌روزمره درمباحثات وتبلیغات از طرف عناصر و محافل به اصطلاح مترقی علیه نیروی اصیل انقلابی بکار برده میشود و ارتجاع وامپریالیزم از آنها به نفع خود بهره برداری میکنند. این شعار ها به قدری پرطمطراق درهمه جا، در تظاهرات ومتینگ ها و اعتصابات، بدون دقت وسنجش ونا شیانه‌تکرار میشودکه ترس آن‌میرود خلق کشورما به جریانات پیشرو وترقیخواه بنظر شك وتردید بنگرند ودر نتیجه بطور کلی ایدیالوژی طبقه کار گر (سوسیالیزم علمی) درافکار عامه‌خلق خدشه دار گردد. هم‌اکنون درمیان مردم وروشنفکران کشور این جمله تکرار میشود که «مطلب نباید باین سادگی باشد!» زیرا آنها هنوزبکنهه اختلافات موجود، بین جریانات‌مترقی پی نبرده اند. منافع طبقه کارگر و تمام خلق زحمتکش کشور ایجاب میکند که باین وضع خاتمه داده‌شده وپا بمر حله نوین جنبش گذاشته شود. البته نباید از نظر دور داشت که کشمکش بین جریانات مختلف درزمینه ایدیالوژی سوسیالیزم در کشورما، در این مرحله یك پدیده منحصر بفرد نیست، بلکه «قانون‌عام» کشور های مشابه به افغانستان میباشد. ولی البته این مساله بمعنی آن نیست که هیچگاه (وحتی هرچه زودتر) باین مرحله پایان داده‌نشود.

این مطلب برهمه کس معلوم‌است که متأسفانه آتش‌مبارزه بین‌جریانات چپ جهان برافروخته شده است. ولی سوال در اینجا ست که آیا نیرو های ترقیخواه افغانستان وظیفه دارندکه آتش افروزی کنند ودراین آتش روغن بیاندازند و یا اینکه منحیث وظیفه و مسؤولیت ، مطابق به شرایط خاص کشور سعی کنندکه بربنای اصول‌واحکام‌جهان بینی‌علمی، نخست‌دروضع‌موجود،درچهارچوب‌ملی اختلافات خودرا حل نمایند وازبروز اختلافات غیر اصولی وهلاکت بار وبی‌مورد در داخل کشور جلوگیری نمایند. عقل سلیم حکم میکندکه باید حد اقل شایستگی و بلوغ خودرا درجنبش رهائی بخش ملی واجتماعی کشور بدون دستوروفرمان کدام مقام خارجی نشان داد، تابتوان به جرأت وبه شایستگی وظایف خود را مطابق به تئوری علمی پیشرو در عرصهٔ ملی وبین‌المللی ایفا کرد .

باید درنظر داشت که در جنبش کنونی جامعه ما بصورت روز افزون جوانان‌بطورعمومی بسوی‌سوسیالیزم گرایش پیدا مینمایند، ولی بصورت گروه های مختلف ومتشکل ازاعضای نا متجانس. متاسفانه عوض اینکه این نیرو های پیشدار در زیر یك پرچم واحد وبرای‌مبارزه بادشمن مشترك پیرامون هم جمع شوند ، لبهٔ تیز تیغ مبارزه را علیه یکدیگر بکار میبرند. این امر یکی ازمسایل عمده وحاد جنبش ماست که بصورت آشکار ارتجاع وامپریالیزم از آن بسو د خود بهره برداری میکنند. لذا باید بحکم وظیفه مترقی ومنافع عالیه خلق کشور باین وضع پایان بخشید .

نکته دیگر اینکه باید هرچه‌زودتر جنبش را از تقلید بنده وار ... وازآنهم بدترمیمون واروفرمانبرداری مستقیم‌وغیر مستقیم از «اوامرنسخه دهندگان انقلاب» آزاد ساخت وبآنها اجازه نداد که درامور داخلی‌جریانات پیشرو افغانستان ، چون فرماندهان نظا می مداخله کنند و خصومت بی مورد وافتراق مصنوعی را درمیان نیرو های‌ترقیخواه افغانستان دامن زنند. این آقایان‌اجازه دهند(!) که نیروهای ترقیخواه کشور خود برمبنای اصول‌واحکام جهان‌بینی‌علمی و انطباق آن در شرایط مشخص افغانستان وبراساس تجربه‌جریانات اصیل پیشاهنگ دیگر ملل جهان وتجربه خودراه نجات خلق رنجدیده کشور را جستجو کنند وبر مبنای سوال «چه باید کرد؟» مسایل حاد جنبش رهائی بخش ملی و اجتماعی خودرا در مرحله کنونی حل‌نمایند.

متأسفانه اکنون عده‌ئی از جوانان کشور ما ناآگاهانه به بهانه «آزادی انتقاد» که قصه طبل‌میان‌خالی را بیاد میآورد، جز فحش و دشنام ونعره بازی دیگر کاری ندارند .

بنابران ایجاب می‌نماید که باید درشیوهٔ مبارزه برمبنای تئوری‌علمی انقلاب وانطباق خلاق آن در شرایط جامعه تغییراتی بوجود آید وراههای حل اختلافات میان نیرو های مترقی وپیشرو کشورجستجوگردد وشرایط لازم وحدت واتحاد این نیرو ها آماده شود .

نکته مهم اینست که وقتی‌ما‌اصل وحدت واتحاد میان نیرو های پیشرو را مطرح میسازیم، هیچگاه مطلوب‌ما جمع‌بندی پرنسیپ های‌متناقص بشیوه‌التقاطی، «پرنسیب فروشی» و «گذشتهای ایدیالوژیك وتئوریك» بوده نمیتواند، زیرا قبول این امر بمثابه تسلیم شدن به‌ایدیالوژی بورژوازی‌وخیانت به اصول جهان بینی علمی است . از آنجائیکه درشرایط کشور ما هنوز غیر از جریان رشد یابنده ترقیخواه پیشرو دموکراتیك خلق افغانستان، یك عده محافل وگروپ های دیگر مترقی نیز هستند وهنوز حسابهای شانرا از لحاظ بلند پروازی های شخصی، انحراف راست و «چپ» تصفیه نکرده اند، لذا نمیتوان انتقاد ومبارزه را درزمینه تکتیك و تئوری ازمیان برداشت. ولی نکته مهم دراینست که باید انتقاد سلیم واصولی بوده ومبارزه در چوکات احکام جهان بینی علمی (نه براساس فحش، اتهام ودشنام) صورت‌گیرد. این درست است که «پیش ازآنکه متحد شویم وبرای آنکه متحدگردیم ابتداء بطور قطعی وصریح لازم‌است خط فاصلی بین خود قرار دهیم» **ولی** به هرحال‌نباید این «خط فاصل» بر اساس اراده فردی بصورت مصنوعی ومیکانیکی،چون«دیوارچین» کشیده شود وامکانات هرگونه‌مفاهمه دوستانه ورفیقانه از میان برود وبازهم علی‌رغم اصول تئوری‌پیشرو مبارزه آشتی پذیر عمداً و قصداً به مبارزه‌آشتی‌ناپذیر، آنهم‌بنابرحکم آمرانه ... وتوأم با دروغ بافی ودسیسه تبدیل گردد .

واقعیت اینست که یکی از مسایل دیگر حاد نیرو های پیشرو کشور ما درجنبش رهائی بخش ملی واجتماعی درپهلوی فقر کر کتر توده ئی، فقر تئوری است. اینکه در شرایط کنونی وطن ما افغانستان وظیفه اساسی سیاسی و سازمانی ماست تاهمه خلق را از یوغ انواع واشکال مختلف ستمها نجات‌دهیم، یك مسأله آشکار است. ولی نباید ازیاد برد که «نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می‌تواند بازی کند که تئوری پیشرو رهبر آن باشد». متأسفانه بایداذعان کردکه یکی از عوامل مهم هرج‌ومرج فکری وسنگ‌اندازی درمیان‌نیروهای ترقیخواه پیشرو کشور ما در وضع کنونی ، همانا فقر تئوری است . بایدهرچه‌زودتر بخصوص‌روشنفکران مترقی ما در ضمن تجدید تربیت خویش توجه خودرا در ردیف مبارزه سیاسی واقتصادی بیشتر وعمیق تر به تئوری پیشرو معطوف سازند، تابزبان یکدیگر آشنا گردند. زیرا اقلا تاالفبای واحد مبارزه مترقی آموخته نشود چطور میتوان حرف یکدیگر را درك کرد واز مرض ساده کردن مسایل و پدیده ها و خرده گیری های کین توزانه نجات یافت .

تئوری پیشرو کسانی راکه حرفاً وبصورت جامد بدون پیوند عمل باتئوری بدنبال اشکال کاملا محدود فعالیت عملی میروند وآنرا باچند شعار پرازفحش ودشنام مود شده هم آغوش میکنند و در منجلاب اپورتونیزم چپ ویاراست می لغزند، محکوم ساخته است .

باید خاطر نشان ساخت که‌برای زحمتکشان افغانستان آزمایشهای بینهایت مشکل درپیش است. در اغلب کشور ها ی مشابه افغانستان اقلا کارگران وپیشآهنگ آن مراحل کودکی، محفل بازی وخرده کاری‌های مختلف‌راسپری نموده ودرحصارهای دژ ارتجاع نفوذ کرده اند . ولی ما تاکنون حتی باه‌دیوار های قلعه ارتجاع فاصله زیاد داریم. به همین جهت است که باید جنبش مترقی را که درمرحله ابتدائی خوداست، باعزم وانرژی بیدریغ مبارزه، با سلاح تئوریك و پرتیك مجهز بسازیم تابتوانیم خودرا سزاوار وشایسته وواقعاً یك‌جریان‌مترقی پیشرووصدیق درعرصه ملی وبین‌المللی نشان‌دهیم.

مسأله دیگر حاد درجنبش مترقی همانا عدم تأمین تناسب دیالکتیکی میان جنبش خود بخودی کار گران ودیگر طبقات و اقشار دموکراتیك وگروهای پراگنده‌وتجرید شده‌است، که‌عده‌ئی‌عملا‌به‌شیوه «اکونومیستها» به نقش عناصر آگاه در جنبش دموکراتیك وکارگری ، به نقش سازماندهی وفهم سوسیالستی ونقش تئوری سوسیالستی کم بها میدهند وبیشتر به عنصر ابژکتیف یا خود بخودی تکامل میچسپند، عده‌ئی دیگری بدون درنظر گرفتن شرایط عینی وباز هم عجیب تر وبدعت آمیز تر اینکه بدون در نظر گرفتن عملا رهبری طبقه کارگرورشد وتکامل سازمان سیاسی پیشآ هنگ آن، بوسیله گروههای کوچك دارای سنین بسیار جوان شاگردان و محصلان، آنهم درمیان غلاف وتجرید شده از توده های وسیع خلق، نهائی ترین شعار های انقلابیگری‌را توأم بانعره هـای «مرده باد ... ، ماانقلاب سرخ وخونین می‌خواهیم! مافرزندان صدیق رنجبران، خلقهاو توده‌ها و طبقات پائین هستیم ...» قهرمانانه (!) ایراد میدارند. عجیب است‌که سانسور چی های ارتجاع و پولیس دستگاه چرا پیروز مندانه لبخند میزنند ! آقایان جالب توجه است (!) عجب تراینکه اکثریت این آقایان رهبران (!) وقهرمانان (!) که مستقیماً وشخصاً مربوط به طبقات حاکمه افغانستان‌ـ‌اعم ازملاك‌فئودال، مشران قبیله، ارباب زاده، میر زاده، تاجر بزرگ‌دلال‌کمپرادور ویاماموران عالیرتبه دولت افغانستان درداخل وخارج وصاحبان کرسی‌های حساس دولتی و تشبثات خصوصی بوده اند، ازهمه‌بیشتر دادازفرزندان صدیق خلق‌ها وتوده‌ها و زحمتکشان میزنند وباداشتن ثروت های فراوان واستثمار دهقانان زحمتکش وسوابق درخشان (!) خویش دیگران را محکوم به طبقات حاکمه می نمایند. این آقایان از گذشت اصولی سوء استفاده کرده، بیوگرافی های جعلی برای خود تدارك می‌بینند وخاك را برلب مالیده خودراپرولتر وزحمتکش جامیزنند. به هرحال اشاره ما باین موضوع هیچگاه دلیل برآن نیست که این آقایان بنا بر سوابق کار وطبقاتی خویش درنظام فئودالی و دستگاه دولت افغانستان حق ندارند که رشته طبقاتی خودرا بگسلند وبه ایدیالوژی طبقه کارگر بگرایند. بالعکس هرگاه مابه این حقیقت که درهر شرایط یك‌فیصدی معین از نمایندگان دانشور طبقات دارا وروشنفکران بورژوازی میتوانند به جنبش رهائی بخش اجتماعی وسوسیالیستی بپیوندند، انکارکنیم، درواقعیت علی رغم اصول خلاق «چه باید کرد» به منجلاب فلسفه اپورتونیستی لغزیده ایم. زیرا بصراحت خاطر نشان گردیده است که آگاهی دموکراتیك وسوسیالسیم درکارگران «اصولا نمیتوانست‌وجود داشته باشد. این آگاهی را فقط از خارج (مطلب خارج از کارگران‌است. نویسنده) ممکن بود وارد کرد. تاریخ تمام کشورها گواهی میدهد که‌طبقه کارگر باقوای خود منحصراً میتواند آگاهی تردیونیونستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کندکه بایدتشکیل اتحادیه بدهد، برضد کار فرمایان مبارزه کند ودولت را مجبور بصدور قوانینی نمایدکه برای کارگران لازم است وغیره. ولی‌آموزش سوسیالیزم ازآن تئوریهای فلسفی ، تاریخی واقتصادی نشو ونما یافته است‌که نمایندگان دانشور طبقات دارا وروشنفکران تتبع نموده اند خود... موجدین سو سیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود درزمرهٔ روشنفکران‌بورژوازی‌بودند.» می‌بینید آقایان! این اصول مترقی است‌که زبان تهییج‌وقلم تبلیغ مارا درباره ماهیت طبقاتی وسوابق شما وتشریح بیوگرافی واقعی شما بسته است. وگرنه طوریکه شمابغلط برما اتهام‌میزنید،مانیزمیتوانیم خرده‌کاری نمائیم وبادلایل‌مستندوحقایق مشهود جای سالمی برای تان باقی نگذاریم! ولی **چه باید کرد** که اصول و اخلاق عالیه مبارزه مترقی بما اتخاذ چنین شیوه‌ئی را اجازه نمی‌دهد!

(باقیدارد)

از (ص اول)

پرچم، ناشر اندیشه‌های...

سازد ووسیله وحدت سازمان‌ازحیث ایدئولوژی باشد وازحیث تشکیلاتی عموم محافل و سازمانهای همفکر را قانوناً دریك سازمان براساس اتحاد عمل ومرام دموکراتیك خلق متحد گرداند وجهانبینی علمی رادرعرصهٔ مبارزات سیاسی وطن محبوب ما افغانستان مورد عمل قرار دهد .

برای تحقق این مرام نمایندگان وخبرنگاران وتوزیع کنندگان جریدهٔ خلق و ظائف سنگینی را از لحاظ مراکز جذب وقدرت سازمانی بعهده خواهند داشت زیرا مبنی بر اصلی، جریدهٔ خلق نه تنها باید تبلیغ‌کنندهٔ دسته جمعی وبیدارکنندهٔ دسته‌جمعی توده های مردم باشد بلکه همچنین تشکیل دهندهٔ دسته جمعی‌پیشاآهنگ خلقها ی زحمتکش یعنی دموکراتیك خلق نیز باشد .»

بر اساس این اصول علمی که با درنظر گرفتن اوضاع و احوال سه سال قبل مبارزه در کشور، برمبنای تئوری پیشرو طرح گردیده بود، اکثریت قاطع نویسندگان جریدهٔ (خلق) که امروزه نگارندگان دایمی جریدهٔ مبارز پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان را تشکیل میدهند (ببرك (کارمل)، دستگیر پنجشیری، نوراحمد وکیل‌پنجوائی، سلیمان‌لایق، شرعی جوزجانی و مدیر مسؤول جریدهٔ خلق بارق شفیعی) مقالات وآثاری تهیه وبه نشر سپردند .

متأسفانه جریدهٔ (خلق) در اثر دسیسهٔ ارتجاع، بصورت غیرقانونی وغیر دموکراتیك ومخالف ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی بشکل توطئه آمیز وعلی رغم دفاع مستدل، قانونی وعلمی فرکسیون دموکراتیك خلق درولسی جرگه ، توقیف گردید و نتوانست بیش از (٦) شماره، خدمات ارزندهٔ خویش را در جهت تحقق هدفهای رهائی بخش ملی و اجتماعی خلق افغانستان ، باساس مرام نجات بخش دموکراتیك خلق وبر مبنای جهانبینی علمی دنبال نماید .

توقیف غیر قانونی جریدهٔ (خلق) وعدم محاکمه علنی وقانونی اینجانب (مدیر مسؤول آن) که‌قانوناً یگانه مسؤول و مدافع نشرات آن می‌باشم، هیچگاه وبرای یك لحظه‌هم مانع آن نگردید که پیشاآهنگان دلیر ومبارزان سر سپرده اکثریت اصولی جریان دموکراتیك خلق افغانستان درراه بدست آوردن ارگان جدیدی برای این سازمان پیشآهنگ طبقهٔ کارگرکشور سعی‌کنند ودرین زمینه دست اندرکار مبارزه پیگیر واستوار شوند .

روشن است: آنچه به نفع خلق وبه تائید خلق ومطابق به اوضاع واحوال مبارزه ونهضت وبا استفاده اصولی ودقیق وحسابی از شرایط، وسایل و منافذ قانونی ، بشدت وبصورت پیگیر تعقیب شود، امکان آن وجود دارد که قدرتهای حاکمه وا دار به عقب نشینی گردند. روی این امکان بود که دستگاه حاکمه کشور نیز بالاخره دربرابر مبارزات جدی وپیگیر جریان دموکراتیك خلق افغانستان و موضعگیری قاطع واصولی و بهنگام فرکسیون پارلمانی آن و فشار افکار عامهٔ مردم، مجبورشد درپهلوی دوازده جریده وروز نامهٔ غیر دولتی دیگر، به نشر جریده ئی به عنوان (پرچم) ناشر اندیشه‌های دموکراتیك خلق افغانستان تن دردهد. چنانکه درطلیعهٔ بهار سال گذشته (١٣٤٧) نخستین شماره ارگان جدید جریان پیشآهنگ طبقهٔ کارگر کشورانتشار یافت وپرچم اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان در فضای آرزوهای درخشان خلقهای ستمدیده و طن محبوب ما، دراهتزاز درآمد .

پرچم، ناشر اندیشه های جریان دموکراتیك خلق افغانستان و مدافع سرسخت وبا شهامت منافع خلقهای محروم کشور، درطول حیات کوتاه مطبوعاتی خویش، درظرف بیشتر از یکسال گذشته بخوبی توانست مشی نشراتی جریان دموکراتیك‌خلق افغانستان راکه در شماره سوم جریده خلق (مقاله وسایل وراهها..) توسط ببرك (کارمل) فور مولبندی شده بود، باپیروی دقیق و استوار از اصول جهان بینی علمی و تحلیل اوضاع‌وشرایط مشخص‌عینی وذهنی، ملی وبین‌المللی کشور وبااستفاده از ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی افغانستان، پیوسته و همگام باسیر نهضت رهائی‌بخش ملی و اجتماعی داخلی وخارجی وباتدبیر و پیگیری بی‌سابقه‌ئی‌انکشاف‌دهد ودرپیشاپیش جنبش ، نقش رهبری کننده وساز ماندهندهٔ خودرا با هوشیاری ودرایت کامل ایفا نماید .

پرچم خلق، درعمر کوتاه گذشتهٔ خویش، توانست‌درزمینه های‌اساسی مبارزه، خدمات درخشانی را انجام دهد،که بشکل فشرده وفورمولبندی شده، درمواد آتی خلاصه می‌شود :

- تبلیغ، ترویج ، تعمیم وتشریح اصول و مفردات مرامی دموکراتیك خلق افغانستان ،
- نشر خط مشی عمومی و جاری (مشی استراتژیك و تاکتیکی) جریان دموکراتیك خلق افغانستان ،
- نشر و پخش جهانبینی علمی، تئوری مترقی واندیشه های پیشرو عصر ما ،
- انعکاس رنجهای عظیم خلقهای زحمتکش افغانستان ،
- خدمت به امر بیداری شعور سیاسی واجتماعی خلق ،
- ایجاد روحیه و شور و شوق مبارزه در میان خلق ،
- افشای‌ارتجاع‌داخلی وامپریالیزم بین‌المللی ،
- تحلیل کلی تئوریك جامعهٔ افغانستان ازلحاظ اجتماعی،اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، طبقاتی وملی ،
- ایجاد تسهیلات در امور سازماندهی ،
- انعکاس دردها ، آرمانها، خواستها و مطالبات طبقهٔ جوان کارگر کشور وسایر زحمتکشان ،
- پشتیبانی و دفاع وسیع وهمه جانبه از نهضت های کارگری وجوانان کشور وجهان ،
- پشتیبانی از کمکهای اقتصادی وتخنیکی کشور های صلحدوست و مترقی وپیشآهنگ آن ،
- دفاع از جنبشهای آزادیبخش ملی ومترقی وجنبش آزادیبخش ملی خلق پښتونستان و بلوچستان ،

وهمچنان جریده پرچم خلق، این نشریهٔ کارگری کشور، توانست وظیفهٔ مبارزه ایدئولوژیك ، دفاع از اصول مترقی وجریانات وجنبشهای ملی ومترقی وکارگری را بدرستی انجام دهد. از یکسو افشاگریها، تخریبات، فتنه انگیزیها و اشاعهٔ اندیشه های زهرآگین عناصر ماجراجوی چپ نما را که علیه نهضت های اصیل مترقی جهان، صلح ودموکراسی و کشور های صلحدوست و بخصوص ناشر اندیشه‌های‌دموکراتیك‌خلق‌افغانستان صورت می‌گرفت ، بموقع وپیوسته خنثی سازد واز جانب دیگر ماهیت نشرات ارتجاعی دستوری طبقات حاکمه ومرتجعین داخلی وخارجی را افشا وتاثیرات آنرا تضعیف نماید .

با اینهمه ، آنانکه میخواهند باتلاشهای مذبوحانه ، پرچم خلق‌را از (خلق) جدا! جلوه دهند، جز اینکه باخلع سلاح کردن خلق افغانستان از لحاظ ایدئولوژیك و سازمانی، به‌خدمت استبداد،ارتجاع وامپریالیزم این دشمنان کهنه کار واهریمن‌صفت خلق کمربسته باشند ود رراه رشد وتکامل‌این‌جریان‌مترقی سنگ اندازی کنند، ماهیت دیگری ندارند،ونتیجهٔ عمل شان همانست که ارتجاع و امپریالیزم و «سگهای زنجیری» ایشان انتظار می‌برند .

پرچم، به عنوان ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیك خلق افغانستان « ملکیت شخصی » کسی نیست وصاحب امتیاز آن (سلیمان لایق) نیز هرگز چنین ادعائی را نکرده و هم کرده نمیتواند، بنابرآن تمام افراد وحلقه های ترقیخواه دیگر که بمرام دموکراتیك خلق افغانستان واصول علمی مبارزهٔ آن، بخاطر به پیروزی رسانیدن مبارزات رهائی بخش ملی واجتماعی خلق های ستمدیده کشور ایمان واحترام داشته باشند، نیز میتوانند پرچم خلق را مدافع نظرات و مبارزات خویش قبول کنند وبااعتماد کامل بدور آن گرد آیند وبرای برآوردن آرمانهای عالیه خلق کارگر کشور، درجهت تأمین‌استقلال کامل ملی،آزادی، دموکراسی،صلح، ترقی اجتماعی ورفاه همگانی‌متحدانه مبارزه نمایند .

* * *

یاد داشت :

آنچه قابل یاد آوری است همانا ادعای **مالکیت شخصی** شاغلی محترم «صاحب امتیاز» جریدهٔ خلق، آنهم در پناه صورت قانون مطبوعات افغانستان است، که ما درین زمینه دعوائی نداریم و بدان احترام میگذاریم .

گډ دښمن او گډ سنگر

ښاغلی گ .د. له صنعتی بغلان‌نه دپرچم‌په عنوان لیکلی دی :«اوس چه‌د شوری دد یا رلسمی‌دوری دانتخاباتو موده‌رالنده شویده، لـه‌بده مرغه دگران‌وطن‌شرائط داسی‌دی چه‌بیا هماغه پخوانی لیوان موقع پیدا کړی‌او‌خلکوته دامونه و غوړ وی.وعدو او پیسو، دوکو، ټگیو‌او رشوتودو کالت دنیو لوله‌پاره بیاسرراپورته کړی اود ځمکو او پیسو خاوندان‌لگیادی دلته‌اوهلته تلکونه‌ړ دی.

باید‌دا خبره هیڅکله‌هیره نشی چه‌له‌او سنیو ډیرو محدودو آزادیو څخه‌تر هر چادمخه محلی متنفذین،خوانین اود ځمکو، پیسو او شتمنی خاوندان‌زیاته استفاده کولای‌شی، داځکه‌چه زموږ دبزگرو طبقه او نور غریب خلك لاتراوسه پوری په ذهنی لحاظ (البته‌تراو سنیو شرائطو لاندې) وروسته‌پاتی سا تل شویدی اود هغوی لپاره دا تشخیص مشکل‌دی‌چه‌خپل دوستان‌او‌خپل دښمنان سم وپیژنی ،دا واقعیت دی‌چه لاتراو سه پوری دوطن دبزگرانو قاطع اکثریت‌دخانانو، ملکانو او بر و کراتانو‌تر نفوذ لاندې‌دی اوپه انتخاباتو کی دهغوی‌ملاتړ کوی . البته دا تریخ‌واقعیت چه‌دشوری اکثریت بـه‌دافغانستان په او سنیوشرائطو کی بیاهم دفیوډالیزم او دهغه دحامیانولاس ته ور ځی ، دپو هیدو وړ دی.خودا ډیربد احتمال دی چه دزیار ایستونکو مدافع کاندیدان له سره‌ونشی کو لای چه حتی یو کوچنی(اقلیت)هم پارلمان ته‌وا ستو ی.

له‌او سنیو سیاسی شخړو نه بیا په تیره‌دوطن دمترقی فکره عناصرو او ډلو ترمینځ له اوسنیو بی اتفاقیو نه‌دا معلومیږی چه‌دوطن زیار ایستونکی به ونشی کولای‌چه حتی هغه نسبی اقلیت‌کوم‌چه پارلمان‌ته‌یی دافغانستان په‌او سنی عینی اوذهنی زمینه کی ، درا تلو امکان شته دی، کامیاب کاندی. دمنورینو ترمینځ او سنی سیاسی اختلاف دا ښیی چه حتی د کاندید دمودی تبلیغات به‌هم شنډ، کمزوری‌اوبدنامه شی.دا اختلاف که‌څه هم تا سواونور ، هره توجیه دهغو په باره‌کی ولری، خوکله چه یو پـه‌بل پسی خو لی خلاصی کړیء، هغه‌خلك چه‌یو نسبی تنور لری او اوسنیو ظلمیانو ته خوشبین دی، لاروړکه کاندی او مجبور شی چه‌یا لاس‌تر زنی کینی اویاهم هغو پخوانیو لیوانو ته تن کیږ دی.

که خوك داهیله‌ولری‌چه کنځلی او تورونو تپل به گټه ور ور سو ی ، په غلط فهمی کی واقع‌شوید ی .

که خوك رښتیا داهیله ولری چه خلکوته دی‌مفید واقع‌شی، بایدهغه لاره غوره کړی چه خلك یی خو ښوی اود هغوی‌له غو ښتنو سره‌برابره‌وی. باید اوسنی نفاق له مینځه ورك‌شی.

باید مفاهمه‌او حوصله، گذشت‌او صبر په نظرکی ونیول شی، باید دافغانستان دخلکو عالی اخلاقی معیار اود هغوی ضرورتیو‌ شیبه‌هم هیر نشی. باید ټول وطنپالونکی جریانونه دا ثابته کاندی چه‌دوی کو لای شی دوطن اوخلکو د نجات په‌خاطر پخپلو خاصو سیاسی گټوباندی پښه کیږ دی.اوسره‌نیږدی شی. خلك تل دا پو ښتنه کوی چه ولی داسیاسی جریانونه پخپلو کی یود بل سره ته لوید لی دی؟دا‌وضعه په خلکو کی دسیاسی جریانونو حیثیت او مستقبل ته سخته صدمه رسوی .

زموږ هیله دا ده چه ژرتر ژره‌دی دافغانستان دخلکوبه گټه دابی‌اتفاقی اوبی‌ثمره جنجالونه پای ته ورسیږی اود شریك دښمن په‌مقابل کی دی، شریك سنگر جوړ شی . اوکه‌داسی ونشی هیڅ خوا به له دی هرج‌اومرج نه‌گټه‌وانځلی اود افغانستان خلك به اعتماد پی باندی و نکړی .خنك‌به عاقبت خپله لار ومو می مگر تاریخ به‌هغه کسان او ډلی ونه بخښی چه دخلکوپه گټه‌مساعد شرائط یـی دخانگړی گټی له پاره تباه کـړی او برباد کړی‌وی.

قانون‌شکنی و استبداد

آزادی وحقوق مردم درهٔ صوف‌را زیر پا نموده است

بجریدهٔ پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیك خلق !

لطفاً اعتراض‌اینجانب را برقانون‌شکنان ادارات دولتی ،صاحب رسوخان وفیودالان محلی نشر نموده و باینوسیله فریاد یك دهقان مظلوم‌را انعکاس دهید.

پدر من که‌هشتاد وپنج سال عمردارد، دراثر عرق ریزیهای طولانی‌سی وپنج سال قبل‌چندجریب زمین للمی راخرایداری کرد، چندی قبل یکی ازثروتمندان محل بدان چشم‌دوخت وآنرا تحت دوسیه ودعوی آورد.

داستان زمین را میگذاریم سرجایش ،می‌ائیم باجراآت ولسوالصاحب محل. بتاریخ (١٤) حمل ولسوال درهٔ‌صوف‌بخاطراینکه همین دهقان (٨٥)ساله‌رامجبوربه‌انصراف از حقوقش نموده باشد ،اورا خلاف دساتیر قانون وبدون فیصله کدام محکمه باصلاحیت ویاارجاع قضیه بمحکمه ،تحت شرائط بسیار ناگوار درتاقهای مرطوب محبوس نموده و بیچاره بدون بستر وکالا روز هادر آنجا باقی ماند. اسپ پاکش او نیز تامطلع شدن من،مدت‌سه روز بدون علوفه بسته ماند.

ولسوال که یك شخص بسیار سالخورده ودارای شیوهٔ‌تفکر کهنه است،برایش مشکل است درك نماید که‌رعایت قانون عمده ترین وظیفه اوست. اوهنوز اینرانمیداند که بعداز ایجاد قانون اساسی اخیر کشور وتفکیك‌قوا صلاحیت های‌وی توسط قوانین تحدید وتعیین شده است .اونمیداند وهرگز نمی پذیرد که‌این اجرا آتش خلاف مادهٔ (٢٩) قانون اساسی ومادهٔ (٢٩٨) اجرا آت حقوقی ومادهٔ (٢٦) قانون اساسی ومادهٔ (١٠) اجراآت‌توقیفی میباشد. اونمیداند که نباید در دعاوی حقوقی‌بمجازات وزندان دست بزند. اونمیداند که‌مرجع دعاوی و محل حل وفصل آن محاکم عدلی است ،نه دفتر ولسوال ها وارادهٔ شخصی ایشان.

ازینجهت است که‌باروش ظالمانه وحتی تبعیضی خودش پدرمن ودهها هموطن دیگر را مورد مجازات غیر قانونی واهانت قرار میدهد واز روشهای مستبدانهٔ دیروزه پیروی میکند.

ازعمل اوبرمی‌آید که‌وی مصونیت قانونی افراد را نمی شناسد وبدان اعتناء ندارد.

باین مناسبت من‌اعتراض شدید خودرا برمقامات مربوطه وارد میکنم وتقاضا مینمایم‌تامردم‌مظلوم وبیدفاع ودهقانان مارا ازز‌یرضربات‌مستبدانهٔ اینگونه اداره‌چیان ظالم رها یی بخشند وگلیم این‌کهنه کاران راکه هرگز زیر نفوذ وحدود قانون نمی آیند، برچینند.

من ازمقامات مربوط میخواهم تا برای حفظ حیثیت پدر موسفید و دهقان من ودهها مظلوم دیگر این حاکمان ظالم را بازنجیر قانون مهار نمایند.

اسدالله دهقان زاده ازدرهٔ‌صوف

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

ریاست های تصفیه املاك یا درد بیدرمان دیگری بر پیکر خلق

مردم برمالیات غیرعادلانهٔ اراضی اعتراض میکنند

باوجود ضعف بنیهٔ مالی کشور، دولت دراثر تمایل‌واعمال نفوذیکعده بروکراتان منفعت جو، ظاهراً بعنوان تصفیهٔ امور املاکی به تشکیل ریاست های تصفیهٔ املاك دست زد. یعنی باوصفیکه درهرولایت تشکیلات طویل وعریضی بنام محاکم عدلی، مستوفیت ها وادارات املاکی وجود داشت، ریاست های تصفیه املاك‌را باتشکیلات تازه، مصارف موتر وتیل و . . . منظور وایجادکردند. تقریباً درمدت ده سالیکه این ریاست ها بوجود آمده است،دیگر کسی‌نپرسید که این ریاست ها چه کار هائی را انجام داده وچه سهولت هائی درکار دولت ومسائل خلق زحمتکش بمیان آورده اند،چه مقدار اراضی دولتی‌را ازکام اژدرهای زمین گیر برون‌کرده وچه مبلغ مالیاتی را بر متصرفات بی‌سند زمین داران‌بزرگ وضع‌نموده اند ؟

این تشکیلات نه تنها گرهی از مشکل‌خلق‌نکشوده، بلکه گره‌برگره‌او افزوده ودام بردام دیگر چیده است. بطور مثال در ولایت سابقه قطغن درسال ١٣٣٣ دولت تصمیم گرفت تازمین هاییراکه از زمانهای گذشته بصورت خرابه ها، جنگل زار ها وباتلاقها باقیمانده و درقید مالکیت اشخاص نمی‌باشد برای مردم‌بی‌زمین ونادار فی‌نفر (٢٠) جریب، از قرار فی جریب (١٠) افغانی فروخته‌شود، تاازطرفی خرابه ها آباد واز جانبی مالیات دولت تقویه شود. همانبودکه دهقانان بی زمین وزحمت کشان‌نادار از هرگوشه و کنار رو بسوی این زمین‌ها آورده وهرچیزی از جنس و مال در اختیار داشتند فرو ختند ودر کار آباد کردن زمین مصرف نمودند، حتی عده‌یی نسبت شرائط نامساعد محیطی وفقر بسیار شدید تلفات جانی وحشتناکی را متحمل شدند ـ اما وقتیکه جبه ها ونیزارها آباد شد ، زمین های وحشی حاصل داد و طبیعت یاغی از برکت نیروی بازوی زحمتکشان سرملایمت گرفت، بیروکراتان بیرحم نیرنگ هاریختند وقیمت اراضی‌آباد شده‌را ازفی‌جریب (١٠) افغانی به (٥٠٠) افغانی بالا بردند وپول را تحت تحصیل گرفتند. ولی ریاست ها ی تصفیه املاك گل تازه یی به آب دادند، باین‌معنی که بتایید از زمین داران بزرگ،اکثر این اراضی آباد شده را به بهانه‌های گوناگون تحت دعاوی ملاکان ستمگر قرار دادندودرقضایابضررزحمتکشان وبه نفع فیوډالان وملاکان موضعگیری کردند. نتیجه چنان شدکه عدهٔ‌کثیری از زحمتکشان کـه شیرهٔ جان شان درراه آبادی خرابه ها خشکیده بود، دوباره آواره شوند وآشیانه های فقیرانهٔ خود را از دست بدهند. زمین های آباد دوباره بزمین های بایر تبدیل گردند. مالیات پا درهوا بماند ـ سیرها سیر تر شوند وگرسنگان گرسنه تر .

اینبود شمهٔ کوچکی از نتائج کار ریاست های تصفیهٔ املاك وزارت مالیه که چون درد بیدرمانی بر پیکر خلق نجیب وزحمتکش کشور ما چسپیده اند .

واماراجع‌به‌مالیات اراضی‌بایدگفت: که هرگز این مالیات عادلانه نبوده غالباً به نفع طبقات ستمگر وملاکان بزرگ مطابقت میکند. دربعضی مناطق که مردم حداکثر ده جریب زمین زراعتی‌دارندوغالباً‌زمین‌های‌شان سفیده کاری، یك فصله و باغی میباشد، مالیهٔ اراضی از فی جریب (٤٠) افغانی‌الی‌فی جریب(٥٠)افغانی میباشد، اما در مناطق دیگریکه زمین های‌دوفصله وخیلی حاصل‌خیز دراختیار ملاکین بزرگ قرار دارد ، مالیه اراضی‌ازفی‌جریب (١٠) افغانی الی (٢٠) افغانی میباشد. در بعضی از مناطق املاك بسیار وسیعی بتمسك کدام فرمان مشکوك‌که بچند قرن قبل تعلق‌دارد وهمچنان‌باستناد بعضی اسناد زمان ملوك الطوایفی (تسلط میرها) اراضی بسیاروسیعی مثلاشمالا محدود بفلان‌کوه و جنوباً بفلان دریا، تحت‌دعاوی‌ملاکان بزرگ واقع شده وباین وسائل دشت ها، چراگاهها وحتی جنگلات وکوهها در تصرف این ستمگران درآمده وبدون تأدیه حتی یك پول‌مالیه مورداستفاده آنان قرار دارد. درحالیکه در همین مناطق صدها فامیل دهقان در فقر کشنده وشرایط بسیار دشوارزندگی میکنند .

مردم بشدت آرزو میبرند که ملکیت های اراضی غیر قانونی‌وغیر مشروع که از راه دستبرد وحیله و غارت بدست آمده مصادره گردد واصلاحات ارضی به نفع دهقانان صورت گیرد .

مردم میگویند: بدوسیه سازیهای جعلی املاکی‌که بهمکاری ریاست‌های تصفیه بنفع ملاکان بزرگ ترتیب میشود خاتمه دهید .

مردم برمالیات غیر عادلانه ارضی اعتراض میکنند .

غلام دستگیر یوسف زایی
از ولسوالی خان آباد

ښوونځی دی که دکان ؟

موږ د لته‌دلوگردزرغون‌ښار، دعلی خیلو‌په سیمه کی دنجونو یو کلیوالی ښوونځی لرو.دا‌ښوونځی خپل زده‌کوونکی له‌دریم ټولگی نه فارغوی. زما یوه لورهم سږ کال له همدی ښوونځی‌نه فارغه شویده. له‌بده مرغه ددی ښوونځی زیاتره فارغانی داسی بیسواده او ناپوه‌دی چه‌لکه هیڅ ښوونځی‌ته نه وی‌تللی.

ما له خپلی لور نه دهغی دد درسونو پو ښتنه وکړه‌خوهغه‌خوارکی‌بالکل نه پی پوهیده، کله چه‌می له‌هغی‌نه دناپوهی علت و پو ښتنه. هغی‌وویل چه: موږ ته زموږ«کفتان» درس‌راکوی اوموږ خو ښوونکی نلرو . زموږ‌معلم صاحب خو پخپل دکان کی وی . هغه دتوتو په‌وخت کی، دتوتودخوړ لو لپاره ښوونځی ته راځی ، په نورو وختوکی ډیر نه راځی .

زما یوه‌بله لور چه‌پدی ښوونځی کی‌ده، اوس اکثر ښوونځی‌ته‌نه ځی، کله چه‌مونږ پو ښتنه ځنی کوو،هغه وایی چه‌معلم صاحب هم‌نه راځـی او موږ‌ته‌هم خوك څه نه وایی .

دماشومو نجلیو ساده توضیحات واقعیت لری ، ښاغلی ښوونکی دیوه ملك زوی دی، هم‌دکانداری کوی، هم معلمی او هم یی خپل کورپه‌همدی ښوونځی باندی کرایه کړیدی .

مورله‌معلم صاحب سره حساب نه کوو، زموږ دخبرو مخه د پوهنی وزارت اود کلیود پراختیا ریاست ته‌ده، مونږ حق‌لرو له‌دی مراجعو څخه پو ښتنه‌وکړو چه‌دوی ولی دهیواد دبچیانو په روزنه اوتعلیم باندی‌توجه‌نه کوی اوولی دهیواد له‌دی‌اساسی‌مسألی‌سره بی علاقی پاتی شویدی.

موږ نشو کولای دخپل اولاد له مستقبل او سرنوشت سره بی علاقی پاته‌شو او پدی برخه کی‌خپل مسؤولیت هیر کړو .

مورله‌همدی کبله په‌مربوطو مراجعو اعتراض کوو او پدی برخه کی‌یی مسؤول بولو .

موږ په‌لوړه وایو چه‌دافغانستان دخلکو‌پیسی دی پـه‌داسی‌مواردو کی بیځایه نه خرڅیږی .

ع.ب

بزگران لوټ کیږی

دنیاله افسانونه ډکه ده، خوزموږ دهیواد واقعی پیښی‌او حوادث دومره حیرانوونکی دی چه‌ته‌به‌وایی دا هم خیالی افسانی دی او واقعیت به نلری .

دوطن زوی که‌هر څومره لمن‌راټوله کړی او گو ښی شی بیاهم ژبه نشی ترلای اومجبوریږی‌چه دی دردوونکو پیښو‌ته گوته ونیسی ، دا وطنی ماموریت دی او دوطن نـه سړی سترگی‌نشی پټولای .

خوار بزگر د فیوډالانو تراستثمار لاندی ډوب شو. لوږی‌او رنځ یی گریوان‌ته لاس واچاوه، په کورکی‌یی هر څه خلاص شول .هماغه یو‌ه‌لنگه غوا وریاتی‌شوه اودهغی شدو نـه کیناستل .

دکوږ میرمنی بزگرته مشوره ورکړه چه غوا ښار ته‌بوزی،خرڅه‌یی کړی اوماشومانوته څه خرڅی اووړه را نیسی .

خوارکی‌بزگر غوا ترمخ کـړه، کړی ورځ‌یی منزل زاووا هه‌اوماښامی د(سپین بولدك) په علاقه کی دخپل پیر ځای‌ته راورسیده .دلته‌یی‌دښمنی تیرولو خیال‌درلود. سبا‌به‌یی‌بیادښار لاره‌وهله.

اجل‌نیولی بزگر پداسی حال کی دپیر صاحب ځای ته‌راورسیده چه هغه هلته دخپلو مریدانو په یوه ډله کی ناست وو. څنگه چه‌یی سترگی په بدمرغ مرید ولویدی، په ډیرشوق یی مریدانو ته‌مخ واړاوه او وی‌ویل: تاسی‌خوددی بزگر اخلاص وگوری‌ء چه څنگه زما په ضرورت پوه شویدی او لنگه غوا یی را ترمخ کـړیـده. پلانی خانه سترړی مشی ، دا خو دی عجب کرامت کړیدی چه‌زما‌په‌ضرورت پوه‌شوی. زمونږ غوا وی ټولی وچی شویدی. دا وخت یی خپل یـوه مزدورته امرو کړ چه غوا سمدستی کور ته‌نه باسه‌او تازه وابنه وروا چوه.

خوار بزگرهلته‌دمریدانو په‌حلقه‌کی هك اوپك کیناست او له شرمه یی داونشوویلای چه‌غوامی خرڅلاو ته راوستی‌ده . په زړه‌یی دغمونو‌تالان گډ شو او سبا یی‌دوخته تش لاس بیرته کور ته لاړ . خو کله چه دده میرمن په‌حقیقت‌پوه‌شوه،لکه‌داورلمبه دآغا صاحب دکور په لور وخوځیده اوهغه ډیر په غوا باندی ټینگ شو، خو هغی‌میرمنی غوږ ورته ونه نیو اوغوایی په مخ روانه کړه .

دادی‌دځینو استثمار گرو عناصرو دژوندواقعیت چه‌په تزویر او حیله‌یی دخلکو له پاکو احساساتو څخه استفاده کړیده‌او کوی یی.

محمداکبر. اڅکزی.

حیات شاگردان مکتب‌نسوان

خان‌آباد در معرض خطر است

درشماره (٤٩) سال گذشتهٔ پرچم ،شکایتی ازطرف متعلمات مکتب نسوان خان آباد نشر شده بود. درآن شکایت تذکر رفته بود که عمارت‌مکتب بعلت کهنگی و فرسودگی تحت خطرسقوط قرار گرفته واحتمال غالب میرود که‌باعث حادثهٔ خونین ومرگ المناك و ناگهانی یکعده ازدختران شود . علاوتاً مقابل دروازهٔ مکتب یکی از متنفذان محلی کافه‌ئی ساخته است که‌درآنجا اشخاص بیکار ومزاحم می‌نشینند وباعث ایجاد بینزاکتی‌هائی دربرابر متعلمات میگردند. آن تذکر پرچم صرف اینقدر تأثیروارد کرد که اولیای امور معارف اینجا درب مکتب را ازمقابل رستواران بسمت شمال‌مکتب‌نقل دادندووضع از بد، بدترشد، زیرا قبلا متعلمات تنها ازقبال‌رستوران عبور میکردند واکنون می‌باید ازمقابل محبس و رستوران هردو عبور نمایند.

ازپرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان تقاضا میکنیم یکبار دیگر آواز مارا بلند نموده وابلاغ نماید که از سقف و دیوار های‌اکثرصنوف مکتب نسوان خان‌آباد خاك وتوته‌های‌چوب میریزد وبسیار احتمال دارد که روزی این دیوار ها وسقفهای شکسته حیات عده‌ئی از شاگردان این مکتب را از بین ببرد.

مایکبار دیگر بخاطر حفظ جان شاگردان وجلب توجه معارف ورفع مسؤولیت ازخود، این یاد داشت را سپردیم وبه آهنگ بلند میگویم‌که «جان متعلمات نسوان خان آباد در خطر است!» **پیغله .ا. ازخان آباد**